



بعد از مرحوم شدن آقا میرزا حسن آشتیانی به صرافت ریاست افتاد . از همه کس توسط می کرد
و نفع به مردم می رسانید و با دولتی ها هم معاشرت داشت و از او احترام می کردند . هاجبت
به خیر شد . (ص ۲۴۰)

حاجی عبدالله مازندرانی

حاجی میرزا حسین

محمد کاظم خراسانی (

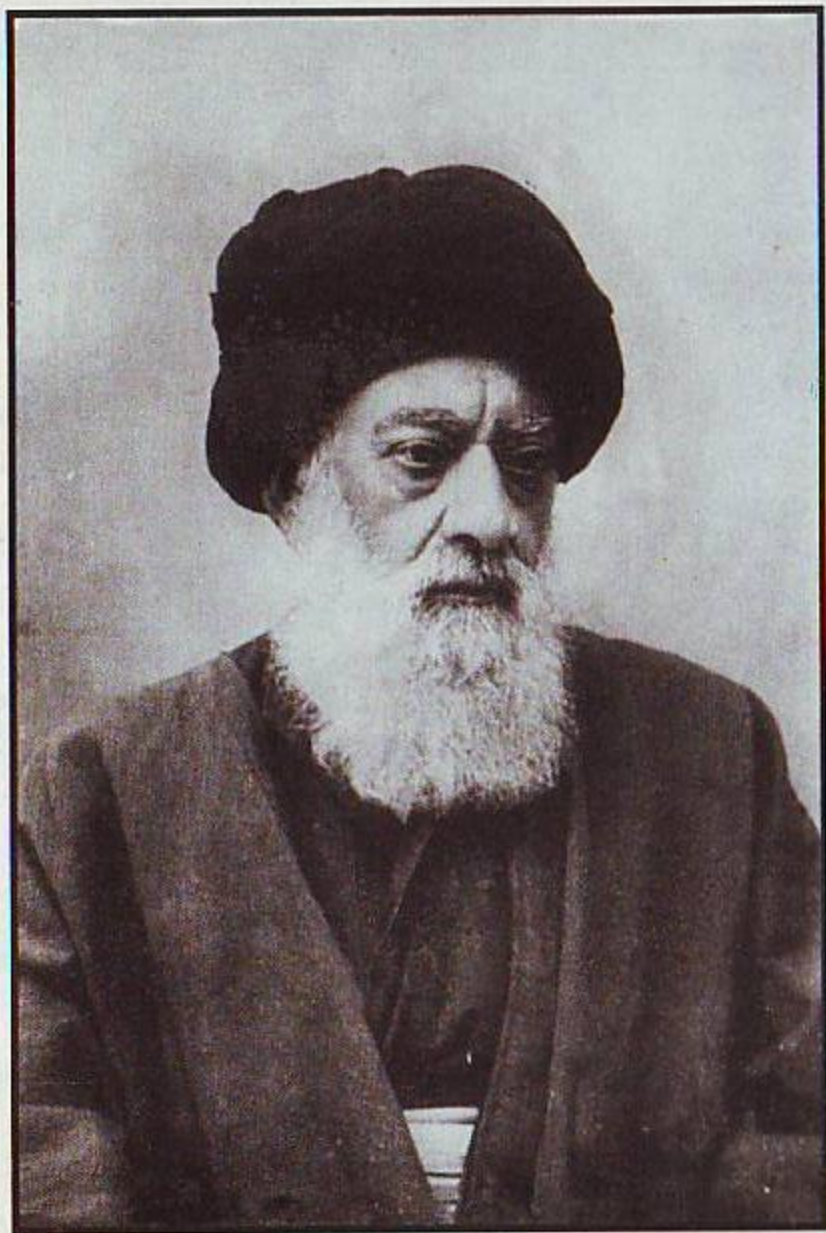


عموم ملت ایران! حکم خدا را اعلام می‌داریم: البوم همت در دفع این سفاک جبار و دفاع از نفوس و اعراض و اموال مسلمین از اعم و واجبات و دادن مالیات به گماشتگان او از اعظم محرّمات و بدل جهد و سعی بر استقرار مشروطیت بمنزله جهاد در رکاب امام زمان . . . من الاحقر عبدالله المازندرانی
من الاحقر الجانی محمد کاظم الخراسانی . (ص ۳۵۲)

متصهين تلگرافخانه تبريز



مقصود ما حفظ وطن و سلطنت بود ، اینک با اینک از طرف دولت بجانب ما آمده اند ، ما این عاروننگ را بر خود نمی توانیم هموار کنیم و کشته شویم به دست اردوی شما ، برای ما بهتر است که به توسط دولت اجنسی بر شما فایق آییم - (ص ۳۸۶)



دوین سه چهارماه مردم گرم خود و مشغول به خود می باشند ولی بعد از سه چهار ماه دیگر
بیدار می شوند و می فهمند چه نعمتی از دست آنها رفته است . آن وقت . . . (ص ۳۶۴)



انجمن ولایتی محمره تشکیل ... گمرک ضبط که وجوهات به طهران نرود ، جواز مظفری دولتی را هم
در محمره توقیف دادم (ص ۲۹۹) (ص ۵۶۷)



و نیز مذکور شد : شاه گلوه شربل آنچه بوده است نقل به سلطنت آباد کرده است ،
به این جهت مستوفی الممالک استعفا داده است (ص ۴۲۲)



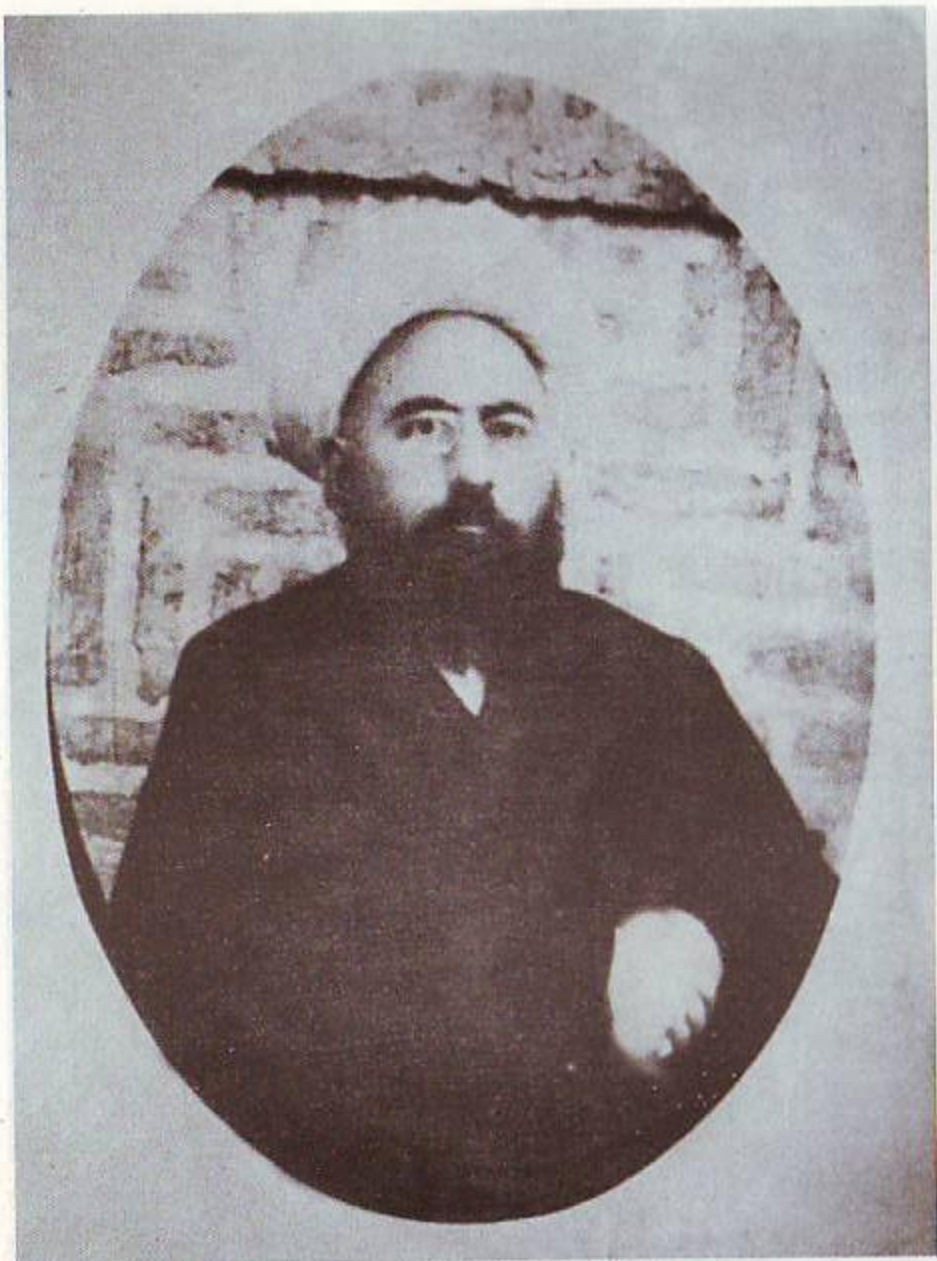
مجاهدان در تهران



روز سه شنبه ۲۴ جمادی الاخر ۱۳۲۷ - امروز به مبارکی و میمنت و انبیا که موافق است با ۱۳ ژوئیه ماه فرنگی ۱۹۰۹ میلادی و مطابق است با ۲۵ تیرماه جلالی و ۲۹ بهمن ماه قدیم و ۲۲ سرطان ، طرف صبح ۰۷:۰۰ (ص ۲۸۶)



امیدواریم به دستگیری خیرخواهان وطن ورؤسای ملت و همراهی مجاهدین غیرتمند . . . این حسن
مقیده عمومی را به اظهار عملیات و ابراز خدمات تکمیل نمایم . (ص ۹۶)



عصر شنبه انجمن ایالتی و جناب نقّه الاسلام و... تلگرافی به اعلیحضرت کردند قریب به این مضمون
ما نمی‌توانیم تحمل نمائیم خدای نخواستہ اجنبی خیال مداخله در مملکت ایران داشته باشد... (ص ۶۵)



امروز تلکرافتی از طرف حاجی علی قلی‌خان به شاه مخایره شده و التوماتوم کرده است که . . .
از سپه‌دار هم تلکرافتی مخایره شده است که . . . (ص ۴۷۲)

شیخ فضل الله (دسته جمعی)



آدم شیخ فضل الله آمد آنجا و اظهار دوستی و مشروطه خواهی نمود و گفت . . . خدا لعنت کند حاجی علی اکبر و شمس العلماء را ی



عنوان رساله

مطهران — مذكره اصلاحیه

مدير كل باطن الاسلام كرماني

عنوان تكميلي (نورق)

بازيچ بكت نيوم شهو صحرانظره

مطابق مقدمه مان من قافله سندن

و كجه پت هم جابهده انازه است



سالنامه اول نورق
قهرمان غمناهم اول نورق

قيمت اشغال رساله

طهران — دوازده تومان

سازميراد داخله ايران نيوش بخت

در روسته پنج منان

تمام اشغال نظر كيد و زنده فزانه

و كجه اشغال نيوش كرفه ميشود

قيمت علاوه اشغال رساله

در هر يك از اين مطالب علاوه بر آنچه ذكر شده است و در اين كتاب نيز مطالب بسيار ديگر درج شده است كه به سبب محدوديت فضاي اين شماره نتوانستيم همه آنها را درج كنيم. خواهش ميكنيم كه در شماره هاي بعدي اين كتاب را با دقت مطالعه نماييد و در صورت لزوم به مدير كل باطن الاسلام كرماني مراجعه نماييد.

فهرست مندرجات

مباحث
 بجهت اتفاق
 مسرور انصاف (العلم) و در غير مسرور
 بجهت فارسي و در غير فارسي
(مدرسه)
 از تجربه و حش و هيان و در لاطله اربع و ناست و در اخبار
 آثار دانشندان و عقلا و در سلسله ضرورت و در بلاهت علوم
 و منوح ثابت و معلوم و محقق كردن در مباحث اهل و كمال
 طالب از علم همچو كونه مشعا و در بنبوده و پيچ
 و كيه ارتقاء بديار علم فسايت و تمدن و تربيت در باره
 و در تصور و معلول نيست

و بهر نيابتنند علاوه بر اينكه نگاهداري از فاعده
 و معتقد نيستند طريقه حفظ از اهم خواصند دارند
 از مباحث جاهل كه همسر جوانان و در بغير و خوش
 جزا و كشي و حاله كرده كه شان از نا نا انان اجانبه ميخوا
 توقع داشت پس بگذارد كه لزوم تعليم و تربيت و مباحث
 تعليم و تعلم و كليات علوم زاد و افتاد و اطراف
 ملكان بازمين نمهند انستيم لازم است كه وسيله
 از انستيم بازمين تا بجهت و در كس آذربوسيله و اسباب
 بمقتور خود رسيد و بار زوي خوش ناييل شويم
 پس نيكوشيم كه اينستله زاهم لازم نيست باره و براه
 ثابت و معلوم كنم نيز كه همكي بطور بدياهت پداستيم
 كبراي در يك مغار و در كس علوم و در يافتن نسيجه
 دانش و دانشندي و وسيله جز مدارس مليه در كاز
 پيشه مدارس شمس نيست حقايق و مضامير بكت
 الاسرار الطالو و ضرورت دانش اخبر و در زمين و سوزند
 خانان جهان سوز جهان اندام العلوم و منبع فيضان

مطبق كه استقلال نگاهداري محدود و مختصر خود
 خود را ميخواهند از قوت و قوت و قوت و قوت و قوت و قوت
 زيرا كه البته تا ملك و كشته كوت كه از انستيم
 تشكيل يافته بمقتور محدود ملون و در اول خود صالح

یا بنواهد تو بجان میخواند تو یک میخواند است
 جو بوی میخواند تو از تبر اندازی میخواند ترین تدا
 میخواند تو بوی میخواند تو بوی منزل میخواند تو
 بندا کفایت میخواند تو بچانه صاحب منصب میخواند تو
 منصب میخواند تو بچانه و اهنگ میخواند تو بچانه
 صدر از مزاریم قورخانه کامل میخواند تو بچانه
 ساختن از بنای تو قورخانه بداند که با همه این بخارا
 به کار میخواند تو بچانه بچانه بچانه بچانه بچانه
 ظاهر و معنی و معنی

تاریخ ظهور و تکوین و تالیف این کتاب
 ایاز وضع ناکوار این کتاب که نماند
 گویند تا بدست دشمنان این خیر نماند یکدوازده جور مشاع
 داخله و یا خارج از یکدیگر و مؤمنان و از یکدیگر و مؤمنان
 از یکدیگر که گویا بدست سران پادشاهان تو بچانه بچانه
 میگردند اصلاح این که مصالح بچانه بچانه بچانه
 تا چندند که در حکام ظاهر و در بار بچانه بچانه
 اخذ مالیات که با همه بود کشور العول مانند میخواند تو
 نای حال این و معایب گزاینده از آن که در پیش نام است
 میخواند تو بچانه بچانه بچانه بچانه بچانه بچانه
 تا که بر لذت بیت خواهرهای بد بچانه بچانه بچانه
 داشت ایام و در هزار ساله ایران مقتدر نباشد که در
 هر یک از شهرهای منظم خود داده متحصصه برنا بوده سه
 چهار تن طبیب و عیال بچانه بچانه بچانه بچانه
 از اجزای معلوم که از اجزای معلوم است بچانه بچانه
 دست هر آنچه معالجه بچانه بچانه بچانه بچانه
 از نام اصل است بچانه بچانه بچانه بچانه بچانه

در اول درود بچانه بچانه بچانه بچانه بچانه
 اسپهبدی و مرض کینه با عد ما غسان بچانه بچانه بچانه
 اعوجاج و کفاده که بگذاشتی بچانه بچانه بچانه
 کرده خودشان همانند و خوش در بچانه بچانه بچانه
 و از او در یار و نظر و در نظر اهل و صیال مغفور باشند
 بجای که از برای مکر و وطن پرست بچانه بچانه بچانه
 حالشان بچانه بچانه بچانه بچانه بچانه بچانه
 هنوز در در شب تابک شاهم رفته می بیند بچانه بچانه
 بد از کبر نای شاهم بچانه بچانه بچانه بچانه
 برادران بچانه بچانه بچانه بچانه بچانه بچانه
 انبای وطن و بچانه بچانه بچانه بچانه بچانه
 نموده چه بچانه بچانه بچانه بچانه بچانه
 غایب بچانه بچانه بچانه بچانه بچانه بچانه
 سر نشخوری و بچانه بچانه بچانه بچانه بچانه
 پیش کرده و بچانه بچانه بچانه بچانه بچانه
 خزانم از خود ملک و بچانه بچانه بچانه بچانه
 کاهش شود و بچانه بچانه بچانه بچانه بچانه
 و بچانه بچانه بچانه بچانه بچانه بچانه
 میتوان گرفت که از آن روی در نظر بچانه بچانه
 واقارب بچانه بچانه بچانه بچانه بچانه بچانه
 نگران و بچانه بچانه بچانه بچانه بچانه بچانه
 داشت اکنون صاحب بچانه بچانه بچانه بچانه
 اصلاح نقاص بچانه بچانه بچانه بچانه بچانه
 نمود و بچانه بچانه بچانه بچانه بچانه بچانه
 لازم است بچانه بچانه بچانه بچانه بچانه بچانه
 در صورت بچانه بچانه بچانه بچانه بچانه بچانه

سید اسد الله شخصاً غرض ندهارند و غالب مردم بایشان مایل هستند حتی از مسافرت ایشان بطهران غالباً علمای تهران ملاحظه نمایند که در اینجا وجودش بیشتر مفید است اما خاد مباحثی از اول خودش را باین کار داخل کرده

میخواهد اسباب ریاستی برای خود فراهم بیاورد و چند نواز اقوام و دستگاران ایشان هم باین خیال با ایشان میآیند و در سفر از تجار هم باین امر و که خودشان جزو آنجند عقیده اند که اگر بنا بر انتخاب شد آنها را کسی انتخاب نخواهد کرد لهذا به تعیین شخصی مایلند از آن جمله حاجی میرزا احمد ناظم التجار بی بی بی است از اول با خاد مباحثی همراه است و حاضر مردم در مجلس میآیند

بامریکین دو سفر روزی از مردم با جمعی از اتباع خود در مسجد جامع جمع شده و مردم در این مکان با زور و اجبار در مسجد تحریک کردند اهل بازار اول بکمان آنکه جوی بازار هست یا خاد مباحثی است معای مجلس طهران خاد مباحثی آمده بعضی کارها را بپسندیده و جمع شده بعد مطلقاً مکتوب شد که آقایان میگویند که باین فرقه و انتخاب اضنی نیستیم باید خاد مباحثی رئیس مجلس باشد از آن طرف هم آقای حاجی میرزا حبیب الله کس به مجلس فرستاده مردم اعلام کردند که اگر این کار باز و بکار خود مشغول باشد هر کس حرفی دارد معرفی در منزل آقای حاضر شوند هر قسم ملاحظه دو بار مکتوب و انتخاب نمایند چون خود که مردم متفرق شدند و بازار باز نشد هنوز چیزی نمانده شده اصلاً این اشخاص در صدر اسباب چینی هستند باین ملاحظه که خودشان داخل در کار باشند و عطا و تجار و اعیان هم این مطلب را دانستند و اضنی به بودن مشایخ و علمای نیستند خوب است از مجلس شورای ملی تکلیف برای انجمنهای محلی معین فرمایند و قرار با انتخاب بکنند که این گونه اشخاص ریاست طلب خود بینند داخل کار نباشند

دیگر آنکه حضرت والا مشاهیر از مرکن الدوله یعنی محمد السلطنه و وزیر نکرانی یا مین ذوقی کرده هشتاد هزار تومان پول خواسته اند که از قسط سر کله حواله کرده که توسط معین الکتاب خراسانی بطهران بوسانند حاین فقره موجب بعضی حرفها شده و مردم با بعضی آن امر کرده در این اوقات پول بچشم صوف لازم است شهرت داد و مانده که از باب پیشکش است و در این خصوص مردم موقرانند گویا جمعی بر تلگرافخانه رفته به مجلس شورای ملی تلگراف کردند و اظهار داشتند که حضرت والا این پول را بنمای چه میخواهد که از باب استالاست هنوز سال تمام شده و تکلیف خودهای جزو معلول شد

مالیات

نمونه ای از صفحاتی که مؤلف با دقت نوشته و برای چاپ آماده کرده است

[مطالب این صفحه در صفحه ۱۰۴ چاپ حاضر آمده است]

روز شنبه ۱۸ ربیع الثانی

۳۱۴

امروز فرمان فرما وزیر داخله و مملوئی الممالک و وزیر جنگ
سعد الدوله کوز را معرفی فرمود و خزانة لیه و خزانة لیه بر حسب اسم این دوام و وزیر خارجه و رئیس
نام الممالک غایت است در فکر خارجه است و وزیر لیه و مقرر الدوله و وزیر عدلیه مومکت
الممالک وزیر علم شریف است
مردم بوی کار از این سو ششماه اندر در راهها پیما شده است و بی جرکت می آیند در جمیع

روز شنبه ۱۹ ربیع الثانی — امروز دستخط شاه نواشا صادر شد چون ملک
دستخط او در ۴ قبل از دستخط لیه امروز دستخط در صادر و بطبع رسید و منتظر کردیم و دست
ان از این قرار است
مجلس شرف و شوشیه
بقیه از روز شنبه

مجلس شرف و شوشیه

سواد دستخطها غلام اعلی بن قندهر قندهر است شاهدنا هی و اوصافند
از روزیکه با قضا را راه هم او هم شرف و ولایت همه در آن است این خصوص در مورد ما چون اگر بد
بسیار شرف و خضر عا طقت نکوریش آن بود که در شرف و ولایت همه در آن است این خصوص در مورد ما چون اگر بد
از راه که در کفر لم خانه مکره و وطن جزای است ۱۰ بر نیز در اجزای و از لیه با و از لیه و سلطان بخاره نه
و نیز از معادن و معارج چون هم این فاکت با فاکت در کس و در کس با این ما در شهر با این نیز شرف
اما شرف و روز در این شرف و معنی با کوبان بوده اند نیز ما در کس و در کس با این ما در شهر با این نیز شرف
خبر غمناک و روزندان جز ما با ما با ما معنی با ما در کس و در کس با این ما در شهر با این نیز شرف
السلامه تعالی من اجل القدر همتنا سلطنت شرف و در کس و در کس با این ما در شهر با این نیز شرف
مکررات و حقایق کتبیه این نگاه شرف و در کس و در کس با این ما در شهر با این نیز شرف

روز شنبه ۲۳ در ایام ۱۲۳۱ هـ - امروز جزئیات سختی تنگانی و جمع
عده عوارض رسیدار و سختی صفهان و محاصره و خدیجه را در بازارها و منزل
جمع کرده

روز چهارشنبه ۲۴ در ایام - امروز چهار روز غم نهنج عارفان که در دین نهنج
ایشان زنده بود و سر خودمان کرده بعد از عصر فرستم باکم نوره اللک در کتب مذکور
از امیر بزرگ و اصحاب

معاونان آنها که قبلاً به هم می‌رفتند از فزونی نوشته است از شتران و در هر جدول
در هر دو کتاب تمام وارد شده در آن اثنا بلکه از آن بسیار رسیده که در هر دو کتاب از
درجا با این بر این نیز در دست فرستادار معصومه وارد فرستاده است

~~روز پنجشنبه ۲۵ در ایام~~ امروز در بازارها تنگانی و عوارض و فزونی
زیاد در بازار آمده است لکن آنکه مردم خندان داشته اند بازار کم به سه نهنج
و طی نهنج و عوارض لکن در بازار لکن کژدم و کتوف و فزونی نهنج نهنج
روز شنبه ۲۶ در ایام - امروز برای اطلاع مردم و دانستن
رستم شتران و عوارض بسیار با کماله نهنج از این مردم فزونی نهنج بسیار
الموارد در میان آن نهنج نهنج هموار در آنها و این شتران که در مردم که در هر
برای آنکه هر بازار نهنج و چهار از نهنج لکن مردم که نهنج نهنج نهنج

نمونه‌ای از یادداشتهای شتاب آمیز مؤلف

[مطالب این صفحه در صفحه ۲۷۸ چاپ حاضر آمده است]

حضرت شاهزاده ۱۲ رجب ۱۳۲۹ هجری قمری در کشتی که از شلاروله در امام زاده جعفر شریفی
طهران نکلر افاضه و الهی جامه مبارک شد

شب بیستم ۱۳ رجب در پیشگاه شاهزاده کشته نشد یعنی از شلاروله به میدان توپخانه
وارد شد در عصر ۱۳ رجب بعد از آنکه در آنجا کشتی قتل و کشتی فرزند ۹ ماهه ۵

کشتی او را در کشتی در نزدیکی خطه شب بعد از آنکه ۱۳ رجب او را در کشتی
ناچار شد بنویسند یعنی او بعد از نجات یافتیم بگردان او بعد از آنکه ۱۳ رجب او را

برندارند و با کشتی او به بندر به زن او از شلاروله جسد او را در کشتی او را
آورند به خانه اخترالدوله تسلیم داده و فتنه اخترالدوله از کشته با کشتی او را

در خانه نشو و نشین ۹ رجب داده با کشتی او را در کشتی او را
شب ۱۴ رجب کشته شد و در کشتی او را در کشتی او را

و نیز عده از ابراهیم و او را در کشتی

روز جمعه ۱۴ رجب از امام زاده وارد کرد

کشتی در شلاروله از خانه اخوان کلام بعد از آنکه در کشتی او را در کشتی او را
در کشتی او را در کشتی او را در کشتی او را در کشتی او را

بکار تمام و کمال از کشتی او را در کشتی او را در کشتی او را
در کشتی او را در کشتی او را در کشتی او را در کشتی او را